

بازتاب معارف و فقه شیعه در رسائل آقا جمال خوانساری

پانزدهمین رساله، فهرست منابع و ماخذ تصحیح و تحقیق (۱۷۱ منبع) و آنگاه فهرست مطالب رساله‌ها یاد شده است. نثر فارسی کتاب، جزئیات‌های برخی رسائل، مفهوم و بدون پیچیدگی و اغلب عاری از عبارت‌پردازیها و اضافه‌گوییهای بی‌ثمر است و بدینسان مراد مؤلف را به خوبی به خواننده منتقل می‌سازد. در سراسر کتاب پاورقیهای بسیاری وجود دارد که مصادر مطالب را ذکر می‌کند.

اکنون بجاست به معرفی یک رساله‌ها بپردازیم: * رساله اول: شرح اخیر طینت (۷۱ ص). مؤلف در ابتدا با بیان اینکه قائل شدن به جبر و اینکه انسان در افعال خود دارای اختیار نیست بر خلاف ضروریات است و توضیح اینکه روایات آل محمد (ص) صعب و مستصعب است و همه آنها را نمی‌توان بر معنای ظاهری حمل کرد، به توجیه روایات «طینت و خلق شدن مؤمن از گل بهشت و آفریده شدن کافر از گل جهنم» بدانگونه که بوی جبر ندهند می‌پردازد و اظهار می‌دارد که اختلاف طینت موجب عدم اختیار مؤمن در کفر و ورزیدن و انجام دادن کار بد و کافر در ایمان آوردن و انجام دادن کار خوب نمی‌شود، بلکه باعث می‌شود میل مؤمن به ایمان و کارهای خوب بیشتر باشد و میل کافر به کفر و کارهای بد با اینکه هر یک از آن دو نسبت به انجام دادن طرف دیگر اختیار و قدرت دارند. آنگاه به پاسخ چند اشکال احتمالی که ممکن است از این توجیه به ذهن آید اشاره می‌کند و در پی آن با ذکر عقیده حکما و جمهور متکلمان در باب نفس که به ترتیب به «تجرد نفس و آلت بودن بدن» و «عدم تجرد نفس و صدور افعال و اعمال از صرف بدن» معتقدند به دفع اشکال از توجیه خود می‌پردازد و سرانجام توجیه صحیح‌تری از روایات به دست می‌دهد؛ مبنی بر این که مراد از طینت، گل نیست بلکه این کلمه مجازاً در نوع جوهری که نفس از آن خلق شده یا به معنای خلقت و جبلت به کار رفته است و در نتیجه هیچ اشکالی به روایات وارد نیست.

مؤلف گرانقدر سپس ۱۰ حدیث وارد شده در این باب را از کتاب ارزشمند کافی بر می‌گزیند و به ترجمه و شرح تفصیلی یکایک آنها می‌پردازد.

رساله با تکمله‌ای کوتاه در توضیح چند اصطلاح «صحیح»، «موتوق»، «حسن»، «ضعیف»، «حسن موتوق»، «موتوق کالصحیح» و «حسن کالصحیح» به پایان می‌رسد. * رساله دوم: رساله نیت (۴۷ ص). این رساله دارای ۱۰ فصل است. فصل اول به تعریف لغوی نیت، یعنی قصد، و شرعی آن، یعنی قصد با شرایطی خاص، می‌پردازد و تأکید می‌کند که ترتب ثواب بر انجام دادن واجبات و مستحبات و ترک کردن محرّمات و مکروهات بی‌تردید متوقف بر قصد آن افعال یا ترک است.

فصل دوم تحت عنوان «در بیان اشتراط قصد قربت، و بیان معنی آن» وجوه مختلف قصد قربت را به تفصیل بر می‌شمرد. فصل سوم در پی تبیین حکم عبادتی است که در آن علاوه بر قصد قربت، غرض دیگری نیز مورد نظر بوده است. چنین عملی اگر همراه با «ریا» - یعنی دیدن غیر خدا - یا سمعه - یعنی شنیدن غیر خدا» باشد



● دکتر علیرضا هدایی

رساله، مجموعه‌ای از شانزده رساله از آثار عالم بزرگ، آقا جمال خوانساری، است که تنها دو رساله آن به عربی و بقیه به زبان فارسی نوشته شده است. در این مجموعه ۲ رساله دیگر نیز به چاپ رسیده است: یکی رساله اشتراک لفظی وجود تألیف ملا رجیعی تبریزی که چاپ آن، به مناسبت پاسخ آقا جمال خوانساری بدان، برای متمم فایده ضروری می‌نموده است، و دیگری رساله‌ای در بیان دلالت آیه «و اذ ابتلی ابراهیم ربه بکلمات...» بر اینکه امام پس از آماده چاپ شدن معلوم شده تألیف آقا جمال خوانساری نیست. کتاب با یک مقدمه کوتاه آغاز می‌شود، در پی آن فهرست آثار آقا جمال خوانساری (که بالغ بر ۴۶ مکتوب است) می‌آید، و آنگاه تمامی نسخه‌های موجود هر یک از رساله‌های چاپ شده در این کتاب معرفی می‌شوند. (نسخه‌های شانزدهمین رساله، مزار، که به کوشش آیت الله رضا استادی و در ۱۱۵ صفحه به طور جداگانه پس از پانزده رساله اول به چاپ رسیده است، در ابتدای همان رساله معرفی شده‌اند.) در پایان

- رسائل (شانزده رساله)
- تألیف: آقا جمال خوانساری (م ۱۱۲۲)
- به کوشش علی اکبر زمانی نژاد
- کنگره بزرگداشت آقا حسین خوانساری (ره)
- قم، بهار ۱۳۷۸.
- ۷۲۸ + ۱۱۵ صفحه



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پیش از وقت و چگونگی نیت آنها در این حالت می‌پردازد. * رساله سوم: مبدأ و معاد (اصول دین) (۹۳ ص). این رساله در ۴ باب تنظیم شده است که هر باب نیز خود دارای چند فصل است. مؤلف ابتدا در ضمن مقدمه‌ای کوتاه، اصول دین را به اجمال برمی‌شمرد و علت اصول دین بودن آنها را نیز توضیح می‌دهد. باب اول تحت عنوان «در اثبات واجب‌الوجود و صفات ثبوتیه و سلبيه‌او» در طی ۱۲ فصل به اثبات واجب‌الوجود و آنگاه بیان توحید، ازلیت و ابدیت، علم، قدرت، اراده، سمع، بصر، حیات، قیمومیت، تکلم و دیگر صفات حضرت حق جل و علا می‌پردازد. باب دوم تحت عنوان «در عدل و آنچه متعلق به آن است» دارای ۸ فصل بدین شرح است: فصل اول، در اثبات عدل حق تعالی؛ فصل دوم، در بیان آنکه نسبت اضلال و امثال آن به خدای تعالی بر ظاهر آن محمول نیست؛ فصل سوم، در ثبوت اغراض از برای افعال حق تعالی؛ فصل چهارم، در بیان آنکه افعال عباد مستند به ایشان است؛ فصل پنجم، در بیان عدم استقلال عباد در افعال خود؛ فصل ششم، در بیان وجوب انتصاف مظلوم از ظالم؛ فصل هفتم، در تحقیق قضا و قدر؛ فصل هشتم، در ذکر حدوث عالم. باب سوم تحت عنوان «در نبوت» دارای ۶ فصل بدین ترتیب است: فصل اول، در معنی نبی و طریق ثبوت نبوت؛ فصل دوم، در بیان وجوب عصمت انبیا علیهم‌السلام، فصل سوم، در وجوب تنزیه انبیا از اموری که موجب تنفر از ایشان باشد؛ فصل چهارم، در اثبات نبوت پیغمبر ماصلی‌الله‌علیه و آله؛ فصل پنجم، در ابطال آنچه یهودان می‌گویند در رد نبوت آن حضرت و آن دو وجه است؛ فصل ششم، در افضلیت آن حضرت صلی‌الله‌علیه و آله از سایر انبیا و از تمام ملائکه. باب چهارم تحت عنوان «در امامت» دارای ۶ فصل بدین قرار است: فصل اول، در بیان معنی امام و ذکر دلیل بر وجوب نصب او؛ فصل دوم، در بیان وجوب عصمت امام؛ فصل سوم، در طریق ثبوت امامت امام؛ فصل چهارم در ابطال قول اهل سنت به امامت خلفای ثلاثه؛ فصل پنجم و ششم، در ذکر بعضی از مطاعن.

* رساله چهارم: جبر و اختیار (جواب مراسله حسینعلی‌خان) (۲۳ ص). این رساله ابتدا به رد جبر، توضیح قاعده حسن و قبح عقلی، و بیان بطلان عقیده اشاعره که منکر حسن و قبح عقلی‌اند، سپس تأکید می‌کند که اگر ظاهر بعضی از آیات و اخبار برخلاف اختیار و دال بر باشد، باید دانست که ظاهر آن‌ها مراد نیست و لازم است به گونه‌ای مناسب به معنای واقعی خود تأویل شوند (البته در صورتی که آن اخبار احاد بر خلاف صریح عقل نباشند، چرا که در این صورت مردودند و بی‌شک به سهو و خطا یا بهتان و افترا به معصومین نسبت داده شده‌اند)، زیرا همانگونه که قرآن دارای متشابهات است در احادیث معصومین علیهم‌السلام نیز متشابه وجود دارد؛ و آنگاه به برخی شبهات درباره اختیار که در نامه حسینعلی‌خان آمده‌است، پاسخ می‌دهد.

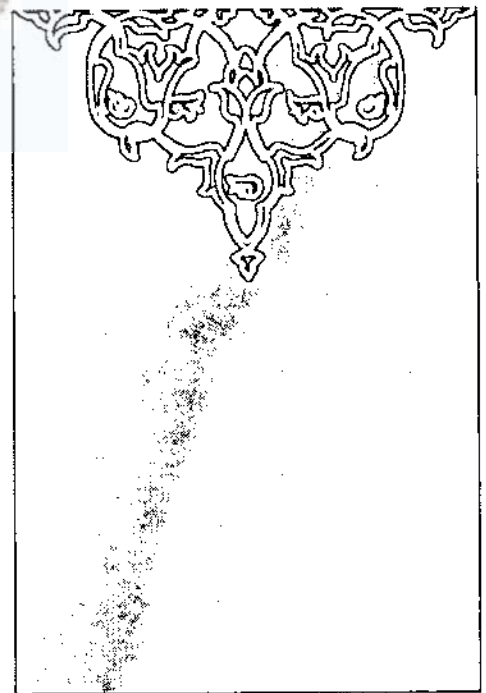
می‌رسد. فصل پنجم در توضیح این نکته است که در نیت عبادات، قصد فعل و قصد قربت و تعیین فعل کافی است و قصد وجه (وجوب یا استحباب) و دیگر امور ضرورت ندارد. فصل ششم بیان می‌دارد که در طهارات ثلاث (وضو، غسل، تیمم) قصد رفع حدث یا استحبابه - افزون بر قصد قربت - لازم نیست. فصل هفتم به تبیین معنای حدیث «الاعمال بالنیات، و انما لکل امری ما نوى» می‌پردازد. فصل هشتم در تأکید این نکته است که نیت، فقط در ذهن آوردن انجام فعل به قصد فرمانبرداری از خدای تعالی نیست، بلکه باید در نهان ضمیر شخص نیز قصدی جز کسب رضای خداوند وجود نداشته باشد و حتی مشهور شدن به خوبی در میان مردم و مدح و ستایش آنان نیز نباید در دل او راه یابد. فصل نهم نخست تبیین می‌کند که عمده در اعمال، اخلاص است و توجه به درگاه احدیت، به یاد آوردن حضرت حق، و بریدن از ماسواوی او؛ و آنگاه معنای حدیث «نیه المؤمن خیر من عمله و نیه الکافر شر من عمله» را توضیح و به اشکالهای مطرح شده درباره آن پاسخ می‌دهد. فصل دهم به بیان جواز غسل و وضو

بدون شک باطل است. اما ضمیمه شدن اغراض دیگر غیر از ریا و سمعه دارای یک حکم نیست؛ زیرا اگر آن ضمیمه شرعاً رجحان داشته باشد (مثل اینکه زکات را به قصد قربت به گونه علنی بپردازد بدان قصد که دیگران نیز بدو اقتدا کنند) عمل باطل نخواهد بود، و اگر شرعاً رجحان نداشته باشد (مثل اینکه با وضو یا غسل به قصد قربت، قصد خنک شدن نیز داشته باشد) تنها در صورتی باطل خواهد بود که قصد قربت، مستقل نباشد، یعنی هر دو انگیزه باعث انجام آن عبادت شده باشند به گونه‌ای که اگر هر یک از آنها نمی‌بود شخص آن عمل را انجام نمی‌داد. فصل چهارم بابیان اینکه نیت فقط در هنگام شروع عبادت لازم است و یادآوری آن به تفصیل در اثنای عمل واجب نیست بلکه استفاده حکمیه کفایت می‌کند شروع می‌شود، با تفسیر استفاده حکمیه ادامه می‌یابد، و با بیان اینکه در روزه لازم نیست، نیت همراه با شروع عبادت باشد بلکه در اثنای شب نیز شخص می‌تواند نیت کند و در طول روز نیز همین که قصدی منافی با قصد اول خویش نکند در صحت روزه کافی است؛ به پایان

* رساله پنجم: رد رساله اشتراک لفظی وجود ملا رجبعلی تبریزی (۷ ص). ملا رجبعلی تبریزی که از معتقدان به اصالت ماهیت و از مخالفان سرسخت حکیم الهی ملاصدرا بوده است، رساله‌ای در باب اشتراک لفظی وجود نوشته که دارای یک مقدمه، پنج مطلب، و یک خاتمه بدین ترتیب است: مقدمه، در بیان معنی وجود و معنی اشتراک لفظی و معنوی در این مقام و ذکر اسامی جماعتی که قائلند به اینکه اشتراک لفظ وجود موجود میان واجب و ممکن اشتراک لفظی است؛ مطلب اول، در اثبات واجب الوجود بالذات؛ مطلب دوم، در اثبات احدیت واجب الوجود بالذات، یعنی در نفی ترکیب از او؛ مطلب سوم، در اثبات و احدیت واجب الوجود بالذات یعنی در نفی شریک از او بر سبیل اجمال؛ مطلب چهارم، در بیان آنکه صفت عین ذات نمی‌تواند بود؛ مطلب پنجم، در بیان آنکه اشتراک لفظ وجود و موجود میان واجب تعالی و ممکنات اشتراک لفظی است نه معنوی؛ خاتمه، در بیان احدیتی که شاهدند بر این دو مطلب اخیر. آقا جمال خوانساری (ره) در این رساله بر اشتراک معنوی وجود تاکید می‌کند و به استدلالهای ملا رجبعلی تبریزی در خصوص اشتراک لفظی وجود میان ممکن و واجب پاسخ می‌دهد.

* رساله ششم: رساله درباره قاعده الواحد (۲ ص). یکی از قواعد کلی فلسفه اسلامی قاعده «الواحد» است، یعنی «الواحد لا یصدر عنه الا الواحد» (از واحد، جز واحد صادر نمی‌شود). آقا جمال خوانساری (ره) در این رساله به توضیح این قاعده، استدلالهایی که برای اثبات آن ذکر شده، و پاسخ اشکالهایی که بدان استدلالها گرفته شده است، می‌پردازد.

* رساله هفتم: شرح دعای صبح



مولانا امیر المؤمنین (ع) (ص ۴۹). در این رساله فقرات دعای صبح یک یک ذکر شده‌اند و ابتدا معنای مفردات (اغلب همراه با تجزیه و ترکیب جمله)، سپس معنای جمله، و آنگاه شرح آن همراه با استشهادهای بسیار به آیات قرآن آمده است.

* رساله هشتم: اختیارات الایام (۴۵ ص). این رساله دارای سه فصل است که در باب ایام هفته، ایام ماه، و بعضی از ایام سال ترتیب یافته و به ذکر فضیلت یا سجد و تحس روزها، مناسب بودن انجام دادن کارهایی خاص (همچون مسافرت، عبادت، ...) در برخی روزها، و حوادثی که روزهای خاصی از ماه یا سال روی داده است، می‌پردازد.

* رساله نهم: داستان طرم‌اح بن عدی (۲۳ ص). این رساله باز گویی شجاعت، فصاحت، و رشادت طرم‌اح بن عدی بن حاتم، یکی از شیعیان بلند مرتبه امیر المؤمنین (ع)، است آنگاه که نامه آن حضرت (ع) در پاسخ معاویه را به شام برد و با سخنان آتشین خویش عظمت ایمان راستین و حقارت دنیا طلبیان را آشکار کرد. اصل این حدیث به تفصیل در کتب معتبره شیعه نقل شده است. چنانکه در پاورقی صفحه ۳۹۷ کتاب نیز اشاره شده است صحت انتساب این رساله به آقا جمال خوانساری مسلم نیست.

* رساله دهم: اجازه [نقل و روایت] آقا جمال خوانساری به ملا محمد حسین مازندرانی (۳ ص).

* رساله یازدهم: آداب الصلاه (۶۳ ص). این رساله در باب آداب ظاهری نماز و دارای ۷ فصل بدین ترتیب است: فصل اول، در اذان و اقامه که پیش از نماز گفته می‌شود؛ فصل دوم، در بیان کیفیت نماز و آداب و شرایط آن؛ فصل سوم در ترجمه سوره مبارکه فاتحه و تفسیر مختصری از آن بر سبیل اجمال؛ فصل چهارم، در تفسیر سوره مبارکه قدر؛ فصل پنجم، در تفسیر سوره مبارکه توحید؛ فصل ششم در تعقیب؛ فصل هفتم: در سجد شکر و بیان کیفیت آن.

* رساله دوازدهم: رساله نماز جمعه (۱۳۱ ص). این رساله که برای ابطال قول به وجوب عینی نماز جمعه در زمان غیبت نوشته شده دارای یک مقدمه و ۳ فصل است. مقدمه به نقل اقوال فقهای شیعه در مورد نماز جمعه در زمان غیبت می‌پردازد، دو قول «وجوب تخییری» و «حرمت» را به مشهور فقها نسبت می‌دهد، و قائل شدن بر وجوب عینی را - که نخستین قائل شناخته شده آن شهید ثانی در رساله نماز جمعه خویش است - بر خلاف اجماع فقها می‌داند. فصل اول بازگویی سخنان برخی از فقهاست که بر نفی وجوب عینی نماز جمعه در زمان غیبت ادعای اجماع کرده‌اند. فصل دوم علاوه بر اجماع یاد شده، از روایات معصومین (ع) دلایلی دیگر بر نفی این وجوب عینی بر می‌شمرد. و سرانجام فصل سوم دلایل قائلان به وجوب عینی را نقل می‌کند و بدانها پاسخ می‌دهد. در مجموع، این رساله مفصل مشحون از

استدلالهای فقهی ارزشمند است و نمونه‌ای قابل توجه از چگونگی استنباط احکام به وسیله فقیهان را به خوانندگان عرضه می‌کند.

* رساله سیزدهم: رساله‌ای در خمس (۵۵ ص). آنچه بدان خمس تعلق می‌گیرد، مصرف خمس، و دیگر احکام آن در این رساله به تفصیل بررسی شده‌اند. مؤلف فقیه (ره) توضیح می‌دهد که وجوب خمس در چهار چیز - غنیمت جنگی، معدن، غوص، و گنج - اجماعی است و در سه چیز - ارباب مکاسب، مال حلال مخلوط شده به حرام، و زمینی که کافر ذمی از مسلمان بخرد - مشهور است، اما اجماع بر آن معلوم نیست. (احکام هر یک از این موارد در ذیل عنوان خود بیان شده‌اند)؛ آنگاه بیان می‌دارد که طبق نظر مشهور فقها و بر اساس ظاهر آیه ۴۲ سوره انفال خمس به شش قسمت تقسیم می‌شود: سهم خدای عزوجل، سهم پیامبر (ص)، سهم ذی‌القربی که مراد از آن امام و خلیفه رسول الله (ص) است (این سه سهم در زمان پیامبر (ص) مخصوص آن حضرت و بعد از ایشان متعلق به امام است)، یتیمان، مسکینان، و در راه ماندگان (این سه گروه اخیر باید هاشمی باشند، یعنی نسبشان از جانب پدر به هاشم جد پیامبر اکرم (ص) برسد)؛ و در پایان ذکر می‌کند که به نظر مشهور در زمان غیبت باید سهم سه گروه اخیر در خود آنان صرف شود، اما در مورد سهم امام اختلاف است و وجوب دفن، وجوب نگاهداری برای امام معصوم و وصیت بدان، و صرف کردن در سه گروه دیگر آرایبی است که فقها در این باب بیان داشته‌اند. البته هر یک از موارد فوق فروعی دارد که در این رساله به تفصیل بررسی شده‌اند.

* رساله چهاردهم: رساله فی الذکر (۱۷ ص). در

این رساله که به زبان عربی است مسائل مختلف نذر مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

* رساله پانزدهم: رساله فی معنی الکراهیه فی العبادات (۱۱ ص). این رساله به توضیح معنای کراهت در عبادات و بررسی این نکته می‌پردازد که چگونه ممکن است عبادت، که حتما باید امری راجح باشد، با کراهت، یعنی مرجوحیت، جمع شود. نخستین نکته در این خصوص این است که در شرع هیچگاه کراهت به ذات عبادت تعلق نگرفته‌است، تا با رجحان آن منافات داشته باشد، بلکه کراهت آن به اعتبار یک وصف است، همچون نماز خواندن در حمام و مانند آن. نکته دیگر که به تفصیل و همراه با نقل اقوال برخی از فقها مورد بررسی قرار می‌گیرد این است که آیا کراهت در عبادات به همان معنای مصطلح و معروف است یا به معنای ثواب کمتر داشتن از عبادت بدون آن وصف؟ آنچه مؤلف بزرگوار رساله تقویت می‌کند، قول اول است.

* رساله شانزدهم: مزار (۱۱۶ ص). از آنجا که این رساله همراه با رساله اربعه ایام میرداماد از سوی همین ناشر چاپ و منتشر شده‌است به طور جداگانه به معرفی آن خواهیم پرداخت.